

مبانی روش‌شناختی و فلسفی آموزش از دور، نسل‌ها و نظریه‌های آن Methodological and Philosophical Foundations of Distance Education and its Theories

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۱/۲۵

Hossien Najafi

حسین نجفی *

Abstract: The purpose of this analytical review is to discuss the methodological and philosophical foundations of distance education. In recent years, distance education has solved many of the problems of traditional education through the use of communication technology, new interaction experiences, learner autonomy, and lack of time and space limitation. On the other hand, constructivism can be considered as the methodological foundation and Existentialism as the philosophical foundation of this type of education. In addition, during five generations of its growth and development, distance education has passed the periods of correspondence education, education through media, computer-based education, multimedia education, and finally electronic education. Now, it possesses solid theoretical foundations, including theories of independent study, industrialization of education, transactional distance, and control in the teaching-learning process.

چکیده: هدف تحقیق، ارائه مبانی روش‌شناختی و فلسفی و بیان سیر تحول نسل‌ها و نظریه‌های مهم آموزش از دور است. برای انجام تحقیق از منابع هدفمند در دسترس و کتابخانه‌ای و از شیوه‌ی مروری-تحلیلی استفاده شده است. در سال‌های اخیر، آموزش از دور به عنوان یک نظام آموزشی جدید، به علت داشتن توانایی‌هایی چون استفاده از فناوری‌های ارتباطی، تعامل هفتگانه، میزان بالای استقلال یادگیرنده و نبود محدودیت زمانی و مکانی در آموزش، توانسته است برخی از مشکلات نظام آموزش سنتی را حل کرده و به عنوان مکمل و همسو با آموزش سنتی ایفای نقش کند؛ از سوی دیگر، می‌توان سازه‌گرایی را به عنوان مبانی روش‌شناختی، و هستی‌شناسی را به عنوان مبانی فلسفی این نوع آموزش در نظر گرفت؛ علاوه بر این، این نوع نظام آموزشی در طول پنج نسل دوران رشد و تحول خود، آموزش مکاتبه‌ای، آموزش رادیویی و تلویزیونی، آموزش مبتنی بر رایانه، آموزش چندرسانه‌ای و سرانجام آموزش الکترونیکی را طی کرده تا اینکه دارای پایه‌های قوی نظریه‌پردازی از جمله نظریه مطالعه مستقل، صنعتی شدن آموزش، تعامل آموزشی، فاصله تراکنشی و نظریه کنترل آموزشی شده است.

Keywords: Distance education, constructivism, Existentialism, theorization.

واژگان کلیدی: آموزش از دور، مبانی روش‌شناختی و فلسفی، سازه‌گرایی، هستی‌شناسی، نظریه‌پردازی

مقدمه

آموزش از دور^۱ به عنوان یک نظام آموزشی^۲ جدید، مکمل و موازی با نظام آموزش سنتی با کارهای کالِب فیلیپس^۳ (۱۷۲۸)، ایساک پیتمن^۴ در قالب روش کوتاه‌نویسی^۵ و به شیوه آموزش مکاتبه‌ای^۶ آغاز شد (هالمبرگ^۷، ۱۹۹۷) و با کارهای اناتیکنر^۸ (۱۸۵۸)، ویدمیر^۹ (۱۹۸۱)، هالمبرگ، مور^{۱۰} (۱۹۹۰)، اندرسون^{۱۱}، گاریسون^{۱۲} و دیگران دارای پایه‌های نظری قوی شد (بت^{۱۳}، ۲۰۰۳)؛ چون که، در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، به علت تغییرات سریع در دانش و فناوری، از یک سو و به علت مواجهه با چالش‌هایی چون افزایش جمعیت بالقوه متقاضی آموزش عالی، افزایش تقاضا برای آموزش عالی، افزایش تقاضا برای یادگیری مادام‌العمر، مسأله کیفیت در آموزش، برابری فرصت‌های دسترسی به آموزش و کاهش هزینه‌های آموزشی (منیعی، ۱۳۸۶) و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز دانشگاه‌ها و سازمان‌های اجتماعی با توانمندی‌ها و شایستگی‌های بالا از سوی دیگر، دیگر روش‌های آموزش سنتی قادر به پاسخگویی به مسائل و مشکلات امروزی نخواهد بود؛ به همین دلیل، گرایش به شیوه‌های نوین آموزشی از جمله آموزش از دور ضروری به نظر می‌رسد (پاولوسکی^{۱۴}، ۲۰۰۶)؛ علاوه بر این، با توجه به وجود موانعی مانند هزینه‌های آموزشی، پراکندگی جمعیت، ضعف اقتصادی خانواده‌ها و ناتوانی آنها در فراهم کردن آموزش برای همه قشرهای جامعه، ضرورت ایجاد و استفاده از نظام آموزش از دور و (الکترونیکی) را به عنوان راه‌حل اساسی برای مشکلات آموزش سنتی توجیه و ضروری می‌نماید (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۳ و دیو^{۱۵}، ۲۰۰۲)؛ با این توصیف، آموزش از دور، یکی از گزینه‌های برتر در راستای ارائه آموزش‌های نوین با هزینه پایین و کارایی بالا (فراهانی، ۱۳۸۰ و رامبل^{۱۶}، ۲۰۰۸)،

1. Distance Education
2. Instructional System
3. Caleb Phillips
4. Isaac pitman
5. Short hand
6. Correspondence
7. Holmberg
8. Anna Eliot Ticknor
9. Wedemeyer
10. Moor
11. Anderson
12. Garison
13. Beth
14. Pawlosky
15. Dew
16. Rumble

انگیزه بالا، تلاش و کوشش بیشتر (نجفی، ۱۳۹۰)، جذابیت استفاده از چند رسانه‌ای‌ها و کیفیت بالای آموزشی است (بت، ۲۰۰۳)؛ علاوه بر این، این نوع آموزش به علت حل مشکلات آموزشی، کاهش هزینه‌ها، پاسخگویی به نیازهای قشرهای مختلف جامعه، افزایش دانایی و دانش افزایی، رشد مهارت‌های فنی، انسانی و ارتباطی و ایجاد تغییر در نگرش افراد می‌تواند به عنوان نظام مکمل با نظام آموزش سنتی در فرآیند یاد دهی و یادگیری لحاظ شود (روزنبرگ^۱، ۲۰۰۱؛ دیو، ۲۰۰۲ و نجفی، ۱۳۹۰). همچنین، این نوع آموزش با هدف توجه به تفاوت‌های فردی، فراهم کردن فرصت‌های برابر آموزشی و دموکراسی آموزشی به تناسب سن، جنسیت، اشتغال و وضعیت مردم با تحقق شعار محوری «آموزش برای همه، همه وقت و همه جا» ایجاد (نجفی، ۱۳۹۱) و به دلیل دارا بودن فضای پویا، روزآمد، مشارکتی و قابلیت دسترسی به محتوا در سریع‌ترین زمان (ابراهیم زاده، ۱۳۸۵)، در جهت تحقق رسالت انسانی «آوردن آموزش برای مردم و نه بردن مردم برای آموزش» نقش مهمی در توسعه اهداف آموزشی و فناوری جامعه ایفا کرده است؛ با این وجود، آموزش از دور در ابتدا در قالب عمل شروع شده، نه در قالب تئوری و نظریه‌پردازی، و علت آن نیز «نیاز و ضرورت» جامعه بشری به پیشرفت‌های صنعتی در قبال پاسخگویی به خواسته‌های نسل جدید نظام‌های آموزشی دنیا بوده است (بت، ۲۰۰۳). در کشورمان ایران نیز به خاطر تأکید بر توسعه فناوری‌های جدید در آموزش عمومی و آموزش عالی متناسب با برنامه چهارم توسعه (توسعه مبتنی بر دانایی محوری)، لازم است به این گونه فناوری‌ها توجه زیادی بشود. با توجه به مطالب بالا، برای اینکه آموزش از دور بتواند به یک نظام آموزشی جدید تبدیل شده و مشکلات و مسائل نسل جدید آموزشی را حل کند، باید دارای مبانی روش‌شناختی، فلسفی و نظریه‌پردازی باشد؛ بنابراین، برای انجام این تحقیق از منابع و اسناد هدفمند در دسترس و کتابخانه‌ای و به شیوه مروری-تحلیلی استفاده شده است؛ لذا این تحقیق در پی پاسخ به سؤالات زیر است.

آیا آموزش از دور به عنوان یک نظام آموزشی جدید در برابر آموزش سنتی قرار دارد یا مکمل و موازی با آموزش سنتی است؟

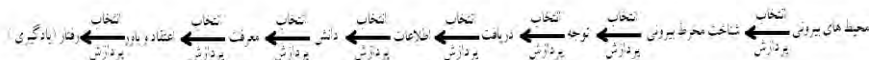
مبانی روش‌شناختی و فلسفی آموزش از دور کدامند؟

سیر رشد و تحول نسل‌های آموزش از دور کدامند و دلایل ایجاد آنها چیست؟
 آیا آموزش از دور می‌تواند دارای نظریه علمی است؛ در صورت داشتن نظریه علمی، مهم‌ترین نظریه‌های آن کدامند؟

مبانی روش‌شناختی و فلسفی آموزش از دور

آموزش از دور با فراهم کردن تسهیلات لازم برای ارتباط و تبادل اطلاعات میان نه تنها یاددهنده و یادگیرنده بلکه میان خود یادگیرندگان، محیط یادگیری جدیدی فراهم می‌کند که در آن دو عامل اصلی فرایند آموزش یعنی یاد دهنده و یادگیرنده با هم کار می‌کنند. این چنین محیطی بر مبنای روش‌شناختی سازه‌گرایی^۱ استوار است. در روش‌شناسی سازه‌گرایی راهکارهایی به یادگیرندگان به منظور یادگیری چگونه یادگرفتن و ساخت معانی به آنها ارائه می‌شود. در این نظریه، همه مراحل زندگی یادگیرندگان بخشی از فرایند کلی یاددهی - یادگیری محسوب می‌شود و نقش اصلی یاددهنده در این فرایند کمک به یادگیرنده برای مشارکت فعالانه در فرایند یاددهی - یادگیری برای چگونه آموختن است، نه سوق دادن آنان به کلاس‌های چهره به چهره سنتی و غیرفعالانه (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶). در سازه‌گرایی، یادگیرنده در مرکزیت و محوریت فرایند یاد دهی - یادگیری قرار داشته و یاد دهنده نقش تسهیلگر و هدایتگر را دارد (اندرسون والومی، ۱۳۸۵: ۴۷)؛ به عبارتی، در روش‌شناختی سازه‌گرایی، تا حدودی نقش یاد دهنده و یاد گیرنده تغییر می‌کند؛ یاد گیرنده به عنوان مفسر معانی و ساخت دانش ایفای نقش می‌کند و فردی مستقل است و هر موقع خواست می‌تواند درس را شروع کند و به پایان برساند. در این فرایند، یاد گیرنده به همراه یاد دهنده به تهیه و تدوین محتوای مورد نیاز می‌پردازند، و در این میان نقش یاددهنده از محوریت به تسهیل کننده و هدایت‌کننده تبدیل می‌شود. فضای آموزشی نیز نوعی فضای باز، چند بعدی و چند حسّی بوده و محتوای آموزشی نیز بر اساس نیاز و مشارکت یاددهنده و یاد گیرنده بر اساس مدل‌های الکترونیکی از جمله مدل اسکورم طراحی و تهیه می‌شود؛ علاوه بر این، در سازه‌گرایی عنصر تعامل به عنوان مهم‌ترین عنصر آموزشی تلقی شده و زمینه تعامل بین یاددهنده و یادگیرنده و محتوا را با کمک سیستم‌های ارتباطی فراهم می‌کند، و همین امر، میزان استقلال و مشارکت یادگیرندگان را برای یادگیری پایدار و مادام‌العمر فراهم می‌کند؛ پس، سازه‌گرایی به عنوان آخرین مبانی روش‌شناختی آموزش بویژه آموزش از دور، با محیط‌های مجازی و تحت وب مبتنی بر ارتباط همزمان، غیرهمزمان، برخط و نا برخط سروکار دارد، و همین ارتباطات به یاد گیرنده اجازه می‌دهد که در ۲۴ ساعت هفته به یادگیری و به

روز کردن مطالعات خود بپردازد. شیوهٔ پردازش و ساخت دانش نیز در روش‌شناختی سازه‌گرایی آموزش از دور به صورت کلی و موازی انجام می‌گیرد (شکل ۱).



شکل (۱) رویکرد سازه‌گرایی نسبت به ساخت و تولید دانش آموزش از دور

(ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶)

با این بیان، در سازه‌گرایی، یادگیرنده در مرکزیت فرایند یاد دهی و یادگیری قرار می‌گیرد، و این همان چیزی است که در آموزش از دور نیز با مفاهیمی چون آموزش باز، کلاس درس باز، استقلال یادگیرنده و کنترل رفتار یاددهنده سروکار داریم. به خاطر همین ویژگی‌هاست که یادگیرنده در مرکزیت و محوریت فرایند یاددهی و یادگیری قرار داشته و یاددهنده، محتوای آموزشی و سیستم ارتباطی در خدمتی و به منظور کمک به او قرار دارند. از اینجاست که در کنار رفتارگرایی، شناختی و فراشناختی، روش‌شناسی سازه‌گرایی بیشترین نقش را در آموزش‌های نوین از جمله آموزش از دور و الکترونیکی ایفا می‌کند؛ از سوی دیگر، هر رشته علمی برای اینکه دارای پایه و اساس نظریه‌پردازی باشد، اصولاً از فلسفه‌ای پیروی می‌کند؛ به عبارتی، فلسفه پایه و اساس هر رشته و علمی را تشکیل می‌دهد؛ از این رو، یکی از فلسفه‌هایی که بیشترین نزدیکی با آموزش از دور را دارد، هستی‌شناسی^۱ است که با ارزشگذاری، انتخاب و میدان عمل سروکار دارد، و تلاش آموزش و پرورش هستی‌شناسی نیز تربیت شخص آگاه، آزاداندیش و ارزش‌آفرین است (گوتک^۲، ۱۳۸۵)؛ از سوی دیگر آموزش از دور نیز در پی کسب استقلال و آزاداندیشی یادگیرنده است و تکثرگرایی زبانی، علمی و فرهنگی را ترویج کرده و معتقد به الگوی جهانی شدن است، نه جهانی‌سازی. نتیجه تحول فلسفه هستی‌شناسی در آموزش و پرورش، آموزش باز و یادگیری باز^۳ است که موریس^۴ در کتاب «آزادی و فراسوی آن» به آن اشاره کرده و هدف آن را اشتداد آگاهی^۵، آزادی اندیشه، تفکر خلاقانه، مسؤولیت‌پذیری و خودآفرینی می‌داند. این ویژگی‌ها آن چیزی است که

1. Existensialism

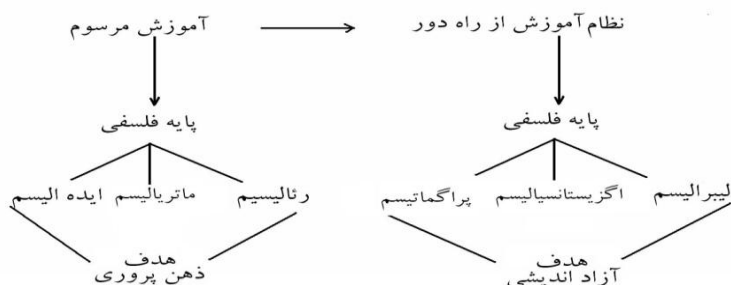
2. Guttek

3. Open learning

4. Morise

1. Awareness Instance

آموزش از دور در پی آن بوده و سعی در برآوردن نیازهای یادگیرندگان عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد. در دیدگاه هستی‌شناسی و آموزش از دور، محوریت از آن انسان است، و ابزار و رسانه، هر دو در خدمت انسان و اندیشه او هستند و هر دو دیدگاه به رسانه آموزشی به خاطر کمک به انسان اهمیت می‌دهند؛ از این رو، در عصر فناوری، رسانه‌ها نمودی در خدمت آزاداندیشی انسان‌ها هستند؛ نه مانع تفکر و آزادی عمل او؛ به همین دلیل، کلاس درس و آموزش باز هستی‌شناسی نوعی رویکردی عمل‌گرایانه در محیط آموزشی است که نظام آموزشی را نوعی آموزش غیررسمی تلقی کرده و به دفاع از آن بر می‌خیزد؛ به عبارتی کلاس درس باز، موقعیتی آموزشی است که امکان انتخاب میدان عمل را برای یادگیرندگان در محیط‌های چندرسانه‌ای فراهم می‌کند که این زمینه‌ها به فعالیت، استقلال عمل، آزادی اندیشه، تفکر انتقادی در یادگیرندگان منجر می‌شود (گوتک، ۱۳۸۵). ایوان ایلچ نیز با انتقاد از آموزش رسمی، بیشترین توجه را به آموزش غیررسمی داشته و معتقد است که در آموزش غیررسمی، مفهوم «هسته‌های یادگیری» یا «شبکه‌های تربیتی» که نیازمند مشارکت همگان و آزادی انتخاب است، محور اصلی دیدگاه هستی‌شناسی و آموزش از دور را تشکیل می‌دهد. با این توصیف، پایه‌های فلسفی آموزش از دور، دیدگاه هستی‌شناسی در باب انسان، اندیشه، انتخاب و آزادی عمل اوست که منشأ تحول‌آفرینی زیادی در زندگی و آموزش است؛ از این رو، فلسفه هستی‌شناسی با آموزش از دور رابطه‌ای تنگاتنگ دارد؛ زیرا این نوع فلسفه، با بیان مفاهیمی چون انتخاب آزادانه و اندیشه مستقل و هویت‌یابی در فرد، موجب پیدایش و گسترش نظام آموزش از دور با رویکردهایی چون کلاس درس باز، یادگیری باز، دانش علمی و تفکر انتقادی شده، و از سوی دیگر، نظام آموزش از دور نیز با اهمیت دادن به علایق، توانایی‌ها و استعدادها یادگیرنده و محور و مرکزیت قرار دادن انسان در دنیای فناوری اطلاعات و ارتباطات به رشد فلسفه، بخصوص هستی‌شناسی، انسان‌گرایی، جهانی شدن و تفکر نقادانه کمک زیادی کرده است؛ چرا که هدف اساسی هر نظام آموزشی نیز تربیت افراد منتقد، متخصص، متعهد و کار آمد است؛ بنابراین می‌توان گفت که در هر رشته، فلسفه، نقش اساسی و بنیادی دارد، و این تأثیرپذیری در آموزش از دور نیز هویداست. فلسفه‌های دیگری نظیر انسان‌گرایی، تفکر نقادی و لیبرالیسم نیز به خاطر توجه به انسان و نیازهای او، آزادی اندیشه و بازسازی فکر انسان در رشد و توسعه نظام آموزش از دور نیز نقش اساسی دارند (نجفی، ۱۳۹۱) (شکل ۱).



شکل (۲) تحول از آموزش سنتی به آموزش از دور و مبانی فلسفی هر کدام (نجفی،

۱۳۹۱)

آموزش از دور

آموزش از دور عبارت است از سازمان‌دهی فرایند یاددهی-یادگیری توسط یک مؤسسه آموزشی (نه یک معلم) و انتخاب راهبردهای مناسب برای به کارگیری فناوری‌های آموزشی، سامانه‌های چند رسانه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات برای فراهم ساختن تسهیلات یادگیری شخصی، خود ارزیابی تحصیلی و برقراری ارتباط و تعامل میان یاددهنده و یادگیرنده که به لحاظ زمانی و مکانی از یکدیگر جدا هستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵). یا فرایند نظام‌مندی است که به منظور ارائه آموزش به یادگیرندگانی که از نظر زمان و مکان جدا از یکدیگر هستند و به نظام آموزش سنتی دسترسی ندارند و در محل کار و زندگی‌شان با استفاده از رسانه‌های گوناگون مواد چاپی، نوارهای صوتی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به یادگیری می‌پردازند (یونسکو، ۱۹۹۹). این نوع آموزش دارای پنج ویژگی اساسی جدایی زمانی و مکانی یاددهنده و یادگیرنده، وجود یک سازمان پشتیبانی کننده، وجود ابزارهای ارتباطی، وجود عنصر اساسی تعامل هفتگانه بین یادگیرنده، یاددهنده و محتوا، انفرادی شدن آموزش است (کیگان، ۱۹۹۶)؛ با این بیان، آموزش از دور برای تبدیل شدن به یک نظام آموزشی جدید، باید دارای پایه‌های نظری و نظریه‌پردازی قوی باشد؛ البته قبل از پرداختن به نظریه‌های این حوزه، برای آشنایی با نحوه ایجاد و رشد آموزش از دور، ابتدا لازم است که به سیر رشد و تحول نسل‌های آموزش از دور، مبانی علمی و علل ایجاد این نسل‌ها نگاهی انداخته شود.

مراحل سیر و تحول در نسل‌های آموزش از دور

گریسون^۱ تاکنون پنج نسل آموزش از دور را به شرح زیر شناسایی کرده است: **نسل اول:** نسل اول آموزش از دور با آموزش مکاتبه‌ای شروع شد (پیترز^۲، ۲۰۰۰)؛ بنابراین در این نسل از سیستم پستی برای انتقال محتوای آموزش استفاده می‌شد. ابراهیم‌زاده (۱۳۸۶) نسل اول را که به آموزش مکاتبه‌ای شهرت دارد، به عنوان آموزش تک‌رسانه‌ای^۳ می‌نامد؛ زیرا فناوری مورد استفاده در این دوره، فقط چاپ کتاب‌های استاندارد و جزوات یکنواخت بود. از آنجایی که این روش در اواخر قرن نوزدهم میلادی آغاز شده است، اما با این وجود، هنوز هم متداول‌ترین نوع آموزش از دور در کشورهای کمتر توسعه یافته است و مبنای اساسی آموزش از دور و الکترونیکی تلقی می‌شود. در این روش، محیط اصلی مطالعه، ارائه راهنمایی در متون چاپی و اغلب همراه با عناصری از مواد دیداری و شنیداری از قبیل اسلاید و نوارهاست. تعامل در روش مکاتبه‌ای از طریق نامه‌ها و دیگر نوشته‌ها یا اسناد چاپی که از طریق سیستم‌های پستی ارسال می‌گردید، انجام می‌گرفت (یونسکو، ۲۰۰۲). از دیدگاه گریسون و اندرسون نیز کتاب‌های درسی چاپ شده و راهنمای درسی آن، اصلی‌ترین فناوری این نسل بود. روش آموزشی نظام‌های نسل اول بر پایه عقاید روان‌شناسی رفتارگرایی^۴ استوار است. رویکرد معرفت‌شناسی غالب نیز در نسل اول، رویکردی اثبات‌گرایانه است؛ بنابراین، نسل اول که مبتنی بر مدل آموزش مکاتبه‌ای و برنامه‌ای بوده، بر پایه صنعت چاپ و استفاده از روش آموزش برنامه‌ای (عقاید روان‌شناسی رفتارگرایی) فناوری ایجاد شده است؛ به همین خاطر، نسل اول، یعنی آموزش مکاتبه‌ای، برنامه‌های آموزشی خود را بیشتر بر پایه اصول و یافته‌های رویکرد معرفت‌شناسی اثبات‌گرا و روان‌شناسی رفتارگرا تهیه و تدوین می‌نمایند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶).

نسل دوم: مرحله دوم با اختراع رادیو توسط مارکونی در اواخر قرن ۱۹ میلادی آغاز شد و رادیوی آموزشی سراسر دنیا را فرا گرفت، و به دنبال آن، با اختراع تلویزیون کاربرد ابزارهای چند رسانه‌ای در محیط‌های آموزشی افزایش یافت. رادیو، تلویزیون، ویدئو، ماهواره، نوارهای دیداری و شنیداری، مهم‌ترین واسطه‌های آموزشی این دوره بودند (یونسکو، ۲۰۰۲). در این نسل تلاش برای ارائه «دوره آموزشی تعاملی با کمک رایانه» به دانشجویانی بود که از رایانه‌های شخصی برخوردار بودند.

1. Garisson
2. Peters
3. Sigel Media
4. Behaviorism

محتوای آموزشی ارائه شده در این دوره به دانشجویان غالباً روی سی دی و دی وی دی ذخیره می‌شد. رویکرد معرفت‌شناسی این نسل غالباً رویکرد تعبیری و تفسیری بود؛ چرا که در این رویکرد، واقعیت‌های اجتماعی توسط افرادی ساخته می‌شود که در آن مشارکت دارند. در رویکرد تعبیری و تفسیری به اصالت انسان و ادراک او پرداخته می‌شود و بیشتر تحلیل‌های کیفی و زبانی مدنظر است. در این مکتب فکری، فرآیند یاددهی و یادگیری، فراگردی پویا و زنده تلقی می‌شود که با خصوصیات یادگیرنده، ساختار دانش، شرایط یادگیری، دستکاری ابزارهای آموزشی، کاربرد ابزارهای آموزشی از جمله لوح‌های فشرده و آموزش مبتنی بر رایانه سر و کار دارد.

نسل سوم: نسل سوم با ابداع ریزپردازنده‌ها و کاربرد رایانه و اتصال به اینترنت و ارسال پیام‌های الکترونیکی کارش را شروع کرد و شامل مواد و موضوعات متنی، دیداری، شنیداری و مبتنی بر کامپیوتر و معمولاً برخی از حمایت‌های چهره به چهره یادگیرندگان بود که هم به افراد و هم به گروه‌ها عرضه می‌شد. در این رویکرد، آموزش، کار انفرادی نبود، بلکه کار گروهی از متخصصان رسانه‌ای، متخصصان اطلاعات، متخصصان طراحی آموزشی و متخصصان یادگیری بود. برنامه‌ها برای توزیع و پخش به تعداد کثیری از یادگیرندگان که معمولاً در سرتاسر یک کشور ساکن بودند، تدارک دیده می‌شد (یونسکو، ۲۰۰۲)؛ به همین دلیل، ابراهیم‌زاده مشخصه اصلی این نسل را آموزش غیرمتمرکز، مشارکتی و مردمی بیان می‌کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶). همچنین، نسل سوم از ویژگی‌هایی همچون امکان برقراری تعاملات انسانی همزمان و غیرهمزمان، بویژه همایش‌های صوتی، تصویری و رایانه‌ای برخوردار است. روش‌شناختی سازه‌گرایی^۱ نسل سوم با هدف خلق فرصت‌هایی برای دانشجویان به منظور ایجاد و بازسازی دانش از طریق بحث و بررسی محتوا یا برنامه‌های درسی مسأله محوری که معرف برنامه‌ریزی‌های کیفی نسل سوم بودند، بسط و گسترش یافت.

نسل چهارم: مور^۲ (۱۹۰۰) معتقد است که نسل چهارمی نیز ظهور پیدا کرده و توانسته است سه ویژگی عمده و اولیه شبکه را با هم تلفیق سازد؛ یعنی بازیابی حجم گسترده‌ای از اطلاعات محتوایی، ظرفیت تعاملی ارتباطات مبتنی بر رایانه و قدرت پردازشگری مربوط به پردازشگرها از طریق نرم‌افزارهای برنامه‌نویسی رایانه، بخصوص جاوا.

1. Constructivism

1. Moor

نسل پنجم: اندرسون^۱ و الومی^۲، نسل پنجم را مطرح و از آن به «الگوی یادگیری هوشمند و انعطاف‌پذیر» یاد می‌کند (اندرسون و الومی، ۱۳۸۵). این نسل با ارائه خدماتی چون مدیریت اجرای شبکه، امکان دستیابی به کتابخانه‌ها و دیگر خدمات اجرایی و حمایتی توانسته است نظامی منسجم از عناصر اجرایی، حمایتی و آموزشی را ارائه دهد. در این نسل، موضوعات چند رسانه‌ای (متنی، شنیداری، دیداری و مبتنی بر کامپیوتر) در قالب‌های الکترونیکی از طریق کامپیوتر به افراد ارائه می‌شود. همراه با این، دسترسی به اطلاعات پایه و کتابخانه‌های الکترونیکی و توانمندی تعامل معلم با یادگیرنده، یادگیرنده با یادگیرنده، فرد با فرد و گروه با گروه، به طور همزمان یا غیرهمزمان، از طریق پست الکترونیکی، کنفرانس‌های کامپیوتری و ... فراهم می‌شود (یونسکو، ۲۰۰۲). نسل پنجم همچنین قادر است که هوش مصنوعی را به توانایی‌های شبکه اضافه کند یا نوعی اشتراک معنایی را به وجود آورد که عوامل انسانی و غیرانسانی را قادر خواهد ساخت تا با فناوری اطلاعات به جست‌وجو در شبکه بپردازند (اندرسون و الومی، ۱۳۸۵). آموزش الکترونیکی و مجازی به مثابه آخرین نسل منطبق با رویکرد معرفت‌شناسی انتقادی به شمار می‌آید. این رویکرد معرفت‌شناسی نهضت اجتماعی و فلسفی گسترده‌ای است که عقلانیت عمل آدمی با استفاده از معرفت‌شناسی اثبات‌گرا و هرگونه تلاش انسان در خصوص جست‌وجوی حقیقت (علم) را زیر سؤال می‌برد. در این رویکرد، هدف، پر کردن شکاف بین رویکرد اثبات‌گرایی و تفسیری است. در رویکرد انتقادی، دو عنصر نقادی و اصلاح مسائل مربوط به آموزش مورد توجه است. این دیدگاه معتقد است که صاحبان قدرت در جامعه، از ابزارهای قدرت مانند اسناد معتبر یا متون برای مشروعیت بخشیدن به سلطه خود استفاده می‌کنند (گوتک، ۱۳۸۵) تا نهادهای اجتماعی نظیر مدارس و دانشگاه‌ها را زیر سلطه خود درآورند؛ بخصوص در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات که صاحبان قدرت بر رسانه‌های الکترونیکی تسلط داشته و بخش سازمان یافته، بویژه طبقات فرودست جامعه را در کنترل خود دارند؛ علاوه بر این، در این نسل، محتوای آموزشی بیشتر به صورت کاملاً الکترونیکی طراحی و تدوین می‌شود و فرآیند یاددهی-یادگیری نیز متأثر از دو عامل سازه‌گرایی و قدرت فناوری‌های الکترونیکی است. رویکرد معرفت‌شناسی منطبق با این نسل، رویکرد انتقادی است و

1. Anderson

3. Alomi

رویکرد روان‌شناختی غالب در این حوزه نیز سازه‌گرایی است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶). در رویکرد سازه‌گرایی، دانش در درون فرد و توسط او ساخته و پرداخته می‌شود. مبانی روش‌شناختی سازه‌گرایی نشان می‌دهد که این رویکرد، سبب ایجاد تغییرات اساسی از جمله تکثرگرایی در مقابل انحصارگرایی در فرآیند یاددهی-یادگیری می‌شود که این امر خود به استقلال یادگیرنده نیز منجر می‌شود؛ به طوری که در این رهگذر، فناوری‌های الکترونیکی خود می‌تواند جزء لاینفک روش‌های یادگیری بر اساس سازه‌گرایی باشد و به عنوان محور تحول در کلاس‌های درس، که مرکز تحولات جامعه است، نقش حیاتی ایفا نماید. به عبارتی در روش‌شناسی سازه‌گرایی، راهکارهایی به یادگیرندگان نشان داده می‌شود تا چگونه یادگرفتن را بیاموزند و بتوانند با استفاده از منابع اطلاعاتی متنوع، یادگیری خود را بنا کنند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵).

نظریه‌های آموزش از دور

در این مقاله به پنج نظریه مهم می‌توان اشاره کرد:

نظریه مطالعه مستقل^۱: وید میر (۱۹۸۱) ویژگی بنیادی آموزش از دور را تأکید بر استقلال و آزادی اندیشه یادگیرنده می‌داند و معتقد است که یادگیرنده باید در مرکزیت^۲ یادگیری قرار بگیرد. علاوه بر ویدمیر، معروف‌ترین نظریه‌پرداز حوزه مطالعات مستقل در نظام آموزش از دور، مایکل مور، طراح اولین مجله دانشگاهی آموزش از دور، است. بر اساس دیدگاه مور، برنامه‌های آموزش از دور بر پایه دو اصل استقلال یادگیرنده و جدایی (فاصله) بین یاددهنده و یادگیرنده استوار است. مور، اساس نظام آموزش از دور را یکی تعامل یاددهنده و دیگری سطوح نیازهای یادگیرنده در سلسله ساختارهای نظام آموزشی می‌داند، از این رو، بنا به گفته صبا^۳، اساس متدلوژی و پداگوژی برداشت مور از نظام آموزش از دور بر پایه «جدایی» استوار است، و همین جدایی یادگیرنده را مستقل از سایر عناصر آموزشی از جمله یاددهنده می‌کند (بت، ۲۰۰۳)؛ البته باید گفت که یادگیرنده در فرآیند یاددهی-یادگیری مستقل عمل می‌کند، اما در مواقع ضروری از یاددهنده به عنوان راهنما و

1. Autonomy and Independence

2. Central

1. Saba

هدایت‌گر استفاده می‌کند. شاید همین مسؤلیت‌پذیری، استقلال عمل، خودجست‌وجوگری، خود اکتشافی و نتیجه‌جدایی یادگیرنده از یاددهنده باشد که آن هم نتیجه ورود فناوری‌های جدید ارتباطی به جای برخورد عاطفی و رودرروی آموزش مرسوم باشد. با ورود فناوری‌های جدید ارتباطی، از جمله کامپیوتر، اینترنت، اینترنت، اکسترانت، تله‌نت، ویدئو کنفرانس، در فرایند یاد دهی-یادگیری از یاددهنده محوری به یادگیرنده محوری با تأکید بر مرکزیت آفرینی او گرایش داشته و تبیین‌کننده استقلال و تبیین هدف استقلال در تعیین روش‌های تدریس و مطالعه و استقلال در شیوه‌های ارزیابی است.

نظریه صنعتی شدن^۱ فرایند یاددهی-یادگیری: اتو پیترز (۱۹۹۰) فرایند یاددهی- یادگیری نظام آموزش از دور را به صنعت و تولیدات صنعتی تشبیه کرده و می‌گوید «همان‌طور که در صنعت به دنبال تولید انبوه هستیم، در آموزش از دور نیز در پی پذیرش و دانش آموختگی تعداد کثیری از یادگیرندگان می‌باشیم». مهم‌ترین شاخص‌های صنعت که می‌توان با شاخص‌های آموزشی تطبیق داد، عبارتند از: ۱- تبیین عقلانی^۲: در صنعت تبیین عقلانی اشاره به تولید بیشتر کالا با صرف حداقل نیروی انسانی، زمان و هزینه است و در آموزش از دور، به شیوه‌های تفکر علائم اشاره می‌شود. و رویه‌ها برای افزایش کارایی عقلانی شدن فرایند تولید صنعتی تدریس و یادگیری ۲- تقسیم کار^۳: در صنعت، به تقسیم کارها و مسؤلیت‌ها به زیرکارها و زیرمسؤلیت‌ها اشاره می‌شود؛ به عنوان مثال، در خط تولید ماشینی یکی پیچ و مهره می‌سازد دیگری آن را چفت می‌کند و در آموزش از دور، مسؤلیت‌های آموزشی نیز برای طراحی، اجرا، انتقال اطلاعات، ثبت ارزیابی‌ها و عملکردها توسط افراد جدا گانه صورت می‌گیرد. ۳- ماشینی کردن^۴: صنعت با ماشین کار می‌کند و آموزش از دور نیز از ابزارها، وسایل و رسانه‌های الکترونیکی برای انتقال و تبادل اطلاعات بین یاددهنده و یادگیرنده سود می‌برد. ۴- خط تولید^۵: در صنعت، کارگران ثابت هستند و مواد تولیدی در فرایند تولید حرکت می‌کند و در نظام آموزش از دور، یاددهنده و یادگیرنده نیاز

2. Industrialization
3. Rationalization
4. Division of labor
1. Mechanization
2. Assembly line

به مسافرت و جابجایی ندارند، بلکه با ثبات مکانی می‌توانند از دور دست با یکدیگر از طریق ابزارهای الکترونیکی تعامل داشته باشند و محتوای اطلاعاتی توسط متخصصان تولید، توزیع و درجه‌بندی شده و در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

۵- تولید انبوه^۱: در صنعت، به تولید زیاد کالا و خدمات با استاندارد کیفی بالا اشاره می‌شود و در آموزش از دور، به پذیرش زیاد دانشجو در تمام دوره‌های آموزشی با کیفیت آموزشی بالا اشاره می‌شود. ۶- آماده‌سازی کارها^۲: به ارتباط هماهنگ کارگران، ماشین و ابزارها برای تولیدات صنعتی اشاره می‌شود و در آموزش از دور، موفقیت یک دوره آموزشی، به برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، ارزشیابی و باز خورد آن نیازمند است. ۷- برنامه‌ریزی^۳: در صنعت، به تصمیمات خوب برای رسیدن به عملکرد خوب اشاره می‌شود و در نظام آموزش از دور، برنامه‌ریزی برای رسیدن به نتایج از پیش تعیین شده لازم و ضروری است. ۸- روش‌های کنترل علمی^۴: برای تولید کالا و خدمات بیشتر باید کنترل بیشتر روی کارگران و ماشین‌ها انجام گیرد، در نظام آموزش از دور هر دوره آموزشی باید به طور منظم بررسی شده و مورد ارزیابی قرار گیرد. ۹- شکل‌دهی^۵: به منظور داشتن آموزش آموزش از دور موفق، مراحل روند تولید که همان شکل‌دهی دوره‌های آموزشی و برنامه‌های آموزش است باید دقیقاً از پیش تعیین شود. ۱۰- استاندارد کردن^۶: در صنعت به محدود کردن انواع تولیدات به منظور متناسب بودن با اهداف و تولید ارزان‌تر و جابجایی آسان‌تر اشاره می‌شود در آموزش از دور، درس‌ها، دوره‌ها، محتوای آموزشی، حمایت سازمانی باید استاندارد باشد. ۱۱- تغییر عملکرد^۷: به تغییر نقش کارکنان در مرحله تولید اشاره می‌شود. نقش اصلی فراهم‌کننده دانش به صورت سخنرانی به مطالعه آن واحد و بخش‌های آن تقسیم می‌شود و گاهی نقش اصلی استاد به مشاور تغییر می‌یابد که در طی دوره آموزشی به طور مداوم انواع نقش‌ها را به خود می‌گیرد. ۱۲- عینیت بخشیدن^۸: به کاهش عضو ذهنی و توجه به به عنصر کار صنعتی و عملی اشاره می‌شود و در آموزش از دور، بیشترین توجه

3. Mass production

4. Preparatory work

5. Planning

6. Scientific control methods

7. Formalization

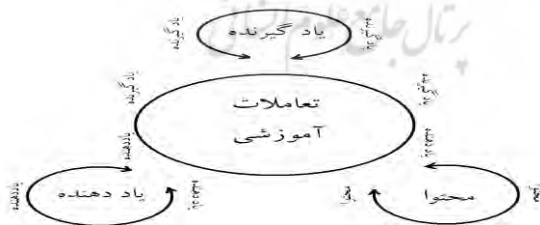
8. Standardization

9. Change of function

1. Objectification

به ابزارها، وسایل، رسانه‌های عینی و ملموس است. ۱۳- تمرکزگرایی^۱: در صنعت، برای تولید زیاد نیاز به سرمایه زیاد است؛ از این رو، شرکت‌های کوچک برای کسب اعتبار و تولید انبوه با شرکت‌های بزرگ تلفیق شده و شرکت‌های چند ملیتی را بنا می‌نهند. آموزش از دور، امروزه برای اینکه آموزش مقرون به صرفه اقتصادی‌تر و دارای سود بیشتر و اعتبار بیشتر باشد به تشکیل دانشگاه‌های مگا^۲ (دانشگاه‌های بالای صد هزار نفری) و دانشگاه‌های گیگا^۳ (دانشگاه یک میلیون نفری به بالا) گرایش دارد. نظریه صنعتی شدن آموزش پیترز بعدها با گسترش کامپیوتر و شبکه جهان گستر وب و پیدایش عصر فراصنعتی یا عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، زمینه پیدایش نظریه تعامل در آموزش از دور شد.

نظریه تعامل^۴ یاددهنده-یادگیرنده: هالمبرگ نظریه تعامل در آموزش از دور را به طور رسمی بیان کرد و معتقد بود که در نظام آموزش از دور، قسمت عمده آموزش و یادگیری، از طریق تعامل یاددهنده-یادگیرنده-محتوا صورت می‌گیرد. تعامل، عنصر ضروری و بنیادی در فرایند آموزش از دور و اجتماع یادگیری محسوب شده و موجب کنترل و نظارت یادگیرنده، تسهیل انطباق و سازگاری برنامه‌های آموزشی بر مبنای علائق یادگیرنده، مشارکت و ارتباطات یادگیری و وسیله‌ای برای یادگیری معنی‌دار می‌شود. برای ایجاد تعامل در نظام آموزشی حداقل به سه عنصر یادگیرنده، یاددهنده و محتوا نیاز است: تعامل یادگیرنده-یادگیرنده، یاددهنده-یاددهنده و یادگیرنده-محتوا؛ اما در پیشرفته‌ترین نوع تعامل، علاوه بر سه نوع اولیه به تعامل یاددهنده-یاددهنده، یاددهنده-محتوا و محتوا-محتوا نیز نیاز است (اندرسون والوم، ۱۳۸۵: ۸۴) (شکل ۳).

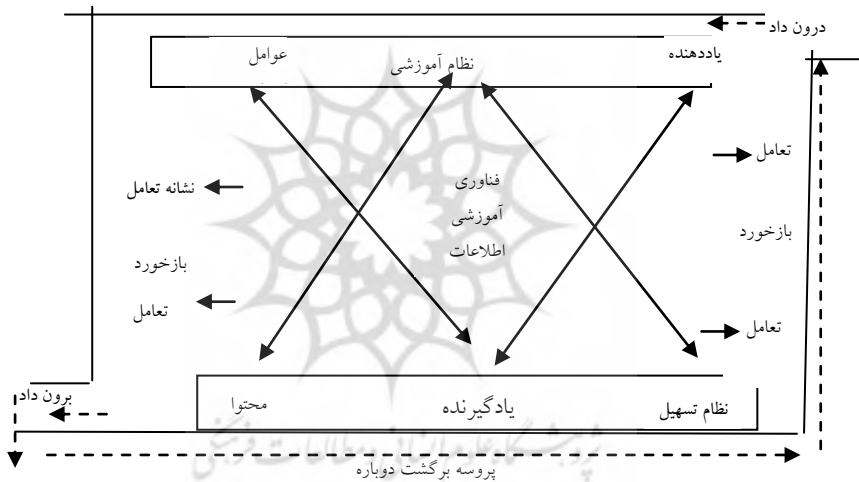


شکل (۳) تعامل ششگانه آموزشی (اندرسون والومی، ۱۳۸۵)

2. Centralization
3. MEGA
4. GIGA
5. Intraction

۱- تعامل یادگیرنده- یادگیرنده: در آموزش سنتی تعامل یادگیرنده با یادگیرنده مطرح می‌شود، اما در نظام جدید به علت کاربرد ابزارها، رسانه‌ها و فناوری‌های جدید، امکان تعامل و ارتباط یادگیرنده با همتایان خود بیشتر می‌شود. ۲- تعامل یادگیرنده- یاددهنده: در نظام آموزش از دور، بخصوص در یادگیری الکترونیکی و دنیای مجازی، تعامل یادگیرنده- یاددهنده در قالب‌های ارتباطات همزمان و غیرهمزمان، گروهی و فردی، برخط، نابرخط، و به کمک چند رسانه‌ای‌ها (متن، صدا، تصاویر و انیمیشن) برقرار می‌شود. ۳- تعامل یادگیرنده- محتوا: بنیادی‌ترین، شدنی‌ترین، و اولین نوع تعامل است که هم در نظام آموزش مرسوم و هم در نظام آموزش از دور امکان‌پذیر است، چرا که یادگیرنده حداقل با هستی و محتوای کتاب ارتباط برقرار می‌کند. ۴- تعامل یاددهنده- یاددهنده: این نوع تعامل به یاددهندگان امکان می‌دهد تا اطلاعات، اندیشه‌های نو، و گفتمان علمی خود را از طریق چند رسانه‌ای‌ها از جمله شبکه جهانی وب در میان بگذارند. ۵- تعامل یاددهنده- محتوا: به تولید محتوا و فعالیت‌های یادگیری توسط یاددهنده اشاره می‌شود و کمک می‌کند به طور مداوم بر فعالیت‌ها یادگیری یادگیرندگان خود نظارت داشته باشند. ۶- تعامل محتوا- محتوا: جدیدترین، انتزاعی‌ترین، عمیق‌ترین و ظریف‌ترین نوع تعامل است؛ چرا که در آن محتوا باید طوری برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شود که با دیگر محتوای اطلاعاتی الکترونیکی تعامل داشته و زمینه رشد، توسعه و گسترش و به روز شدن محتوای دیگر را به همراه داشته باشد. این نوع تعامل، بیشتر در فضای الکترونیکی و مجازی شبکه جهانی وب که دستیابی آزاد به محتوای الکترونیکی را فراهم می‌کند، امکان‌پذیر است. ۷- تعامل فراگیر- میانجی: هیلمن^۱، ویلیس^۲ و گاناواردنا^۳ (۱۹۹۴) مفهوم تعامل (ششگانه) مور را کمی توسعه دادند و به آن عنصری را تحت عنوان تعامل فراگیر- میانجی (واسطه ارتباطی) اضافه کردند. این نوع تعامل (هفتم) با افزایش سیستم‌های فناوری اطلاعاتی کاملاً پیشرفته که لازمه فرایند ارتباطات جدید هستند به وجود آمد. آنها الگویی را مطرح کردند که سبب درک کاربرد عامل میانجی بر تمام مبادلات آموزشی شد. یادگیرندگانی که از دانش پایه لازم برای استفاده از سطوح مشترک واسطه‌های ارتباطی برخوردار نیستند، وقت زیادی را باید صرف

فراگیری تعامل با فن لازم برای برقراری ارتباط با دیگران و دروس خود کنند؛ از این رو، طراحان دوره‌های آموزشی تحت وب باید، برای برقراری تعامل موفقیت‌آمیز بین یادگیرنده و واسطه آموزش، یعنی صفحات وب، شیوه‌های برقراری ارتباط دوستانه را در طراحی آموزشی این صفحات رعایت کنند (فرج‌اللهی و دهباشی، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۷)؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین ارکان و خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش از دور، تعامل است؛ به عبارتی، نقطه مشترک و همخوانی نزدیک فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاددهی-یادگیری عنصر تعامل است که در اکثر نظریه‌های آموزش از دور عنوان شده است (هالمبرگ، ۱۹۹۷) (شکل ۴)



شکل (۴) نقش تعامل در فرایند یاد دهی- یادگیری در نظام آموزش (از دور)
(نجفی، ۱۳۹۱)

نظریه تراکنشی یا فاصله مبادلاتی: برنامه‌های آموزشی از دور از نظر مور (۱۹۹۰) بر دو مؤلفه استقلال یادگیرنده و فاصله مبادلاتی بین یاددهنده-یادگیرنده استوار است. فاصله مبادلاتی به سه مفهوم ساختار محتوای آموزشی، گفت‌وگوی یاددهنده-یادگیرنده و استقلال عمل یادگیرنده اشاره می‌شود. از آنجایی که یکی از ویژگی‌های اساس آموزش از دور، جدایی زمانی و مکانی یاددهنده-یادگیرنده است، برای

پرکردن این جدایی، مور از مفهوم فاصله مبادلاتی در این حوزه استفاده کرده و می‌گوید اگر محتوای آموزش از دور دارای ساختار غنی و بالایی باشد، گفت‌وگوی بین یاددهنده-یادگیرنده کاهش و فاصله مبادلاتی بین یاددهنده-یادگیرنده افزایش و به همان سان استقلال یادگیرنده نیز افزایش می‌یابد، اما اگر محتوای آموزش از دور از ساختار ضعیف برخوردار باشد، گفت‌وگوی بین یاددهنده-یادگیرنده، افزایش و فاصله مبادلاتی بین یاددهنده-یادگیرنده کاهش و به همان سان استقلال یادگیرنده نیز کاهش می‌یابد (فرج‌اللهی و دهباشی، ۱۳۸۸: ۲۴).

نظریه کنترل: بنا به نظر گریسون^۲ و مایرا بینتون^۳ مفهوم استقلال یادگیرنده به تنهایی برای بیان ویژگی‌های اساسی تعامل کافی نیست، بلکه به مفهوم کنترل که برقرارکننده تعادل بین تعامل یاددهنده، یادگیرنده و محتواست، کمک می‌کند (فرج‌اللهی و دهباشی، ۱۳۸۸: ۳۱). مفهوم کنترل بیشتر به یادگیرنده و توانایی‌های او اشاره می‌شود؛ به عبارتی در فرایند یاددهی-یادگیری، اگر یادگیرنده استقلال داشته باشد، یاددهنده بر رفتار یادگیری او کنترل کمتری خواهد داشت؛ اما اگر یادگیرنده استقلال کمتری داشته باشد، یاددهنده بر رفتار یادگیری او کنترل بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین، بین استقلال یادگیرنده و کنترل یاددهنده، یک ارتباط منطقی در آموزش از دور وجود دارد؛ پس باید در آموزش از دور، علاوه بر توجه به استقلال یادگیرنده، به کنترل میزان رفتار یاددهنده در فرایند یاددهی-یادگیری نیز توجه شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق، بررسی مبانی روش‌شناختی و فلسفی آموزش از دور و سیری در تحولات نسل‌ها و نظریه‌های مهم این حوزه آموزشی است. برای انجام این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و هدفمند در دسترس و از شیوه‌مروری-تحلیلی استفاده شده است. آموزش از دور در پی مشکلات ناشی از هزینه‌های بالای نظام آموزش سنتی، تقاضا برای ورود به دوره‌های آموزشی، آلودگی هوا و زیست محیطی ناشی از رفت و آمد یاددهنده و یادگیرنده، عدم دسترسی همگانی و برابر به سواد و ناتوانی آموزش سنتی در تربیت نیروی انسانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به وجود آمده است؛

2. Contorol
3. Garrison
4. Myra Benton

علاوه بر این، آموزش از دور به عنوان یک نظام آموزش جدید، با هدف تحقق شعار «آموزش برای همه، همه جا و همه وقت» و «آوردن آموزش برای مردم نه بردن مردم برای آموزش» و ایجاد عدالت و دموکراسی آموزشی برای تمام قشرهای جامعه، می‌تواند در کنار آموزش سنتی و همسو با آن در جهت رشد و توسعه اهداف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نقش آفرینی کند. این نوع نظام آموزشی، ابتدا در دانشگاه باز انگستان (۱۹۶۷) با کارهای ویدمیر شروع شد و سپس در دانشگاه‌های آفریقای جنوبی و دانشگاه رادیو و تلویزیونی چین کارش را ادامه داد تا اینکه امروزه در اکثر دانشگاه‌های معتبر دنیا با پذیرش دانشجوی مجازی به عنوان یکی از شیوه‌های آموزشی نهادینه شده است. در ایران نیز، آموزش از دور ابتدا در دانشگاه ابرویحان بیرونی که بعدها به دانشگاه پیام نور تغییر نام داد با پذیرش دانشجو در چهار رشته کارش را شروع کرد؛ علاوه بر این، با تأکید در برنامه چهارم توسعه کشور، بر توسعه دانایی محوری مبتنی بر فناوری‌های نوین، آموزش از دور وارد مرحله‌ای از دوران رشد و شکوفایی خود در آموزش و پرورش در قالب تأسیس مؤسسه آموزش از دور و در دانشگاه‌ها از سال ۱۳۸۲ با پذیرش دانشجوی مجازی شده است. آموزش از دور، دارای چند ویژگی اساسی از جمله استفاده از فناوری‌های ارتباطی، تعامل آموزشی، استقلال عمل یادگیرنده، انفرادی شدن آموزش، به روز شدن محتوای آموزشی، طراحی و تولید آموزشی بر اساس مدل اسکورم و ارائه محتوا توسط چندرسانه‌ها است؛ از سوی دیگر، برای رشد و توسعه آموزش از دور باید زیرساخت‌های فیزیکی، انسانی، مالی و مبانی روش شناختی، فلسفی و نظریه‌پردازی را فراهم آورد. با توجه به مطالب بالا، در روش شناختی سازه‌گرایی یادگیرنده در مرکزیت فرایند یاد دهی و یادگیری قرار داشته و به ساخت، تولید و مدیریت دانش می‌پردازد؛ از این رو، سازه‌گرایی را می‌توان به عنوان مبانی روش شناختی این نوع نظام آموزشی تلقی کرد؛ از سوی دیگر، هر رشته‌ای که بخواهد به صورت علمی و اصولی بیان شود، باید دارای پایه فلسفی باشد؛ لذا آموزش از دور نیز از این قاعده مستثنی نیست. از میان مکاتب فلسفی، فلسفه هستی‌شناسی نیز بیشترین کمک را به رشد و توسعه آموزش از دور کرده است، چرا که در این مکتب فلسفی، یادگیرنده فردی خلاق، آفریننده و مختار بوده و دارای استقلال عمل در فرایند یادگیری است؛ علاوه بر این، مکتب یاد شده، معتقد به وجود کلاس‌ها و یادگیری باز بوده و زمینه انتقاد بر کلاس‌های سنتی را برای اولین بار در سطح دنیا فراهم کرده است؛ به عبارتی، چون یادگیرنده در

سازه‌گرایی در نقش سازنده دانش و در هستی‌شناسی، در نقش فردی خلاق، آفریننده و مستقل عمل می‌کند، می‌توان آن دو را بترتیب به عنوان مبانی روش‌شناختی و فلسفی آموزش از دور قلمداد کرد.

همچنین، آموزش از دور، برای داشتن پایه نظریه‌پردازی قوی، علاوه بر مبانی روش‌شناختی و فلسفی، باید دارای سیر تاریخی و تحولی نیز باشد. آموزش مکاتبه‌ای به عنوان نقطه شروع سیر تاریخی و تحولی آموزش از دور، محتوا و مطالب چاپی را از طریق پست برای یادگیرنده ارسال می‌کرد. نسل‌های بعدی آموزش از دور نیز به ترتیب سیر زمانی عبارتند از: آموزش رادیو و تلویزیونی، آموزش مبتنی بر رایانه، آموزش چند رسانه‌ای مبتنی بر متن، صدا و تصویر، و سرانجام آموزش‌های هوشمند، الکترونیکی و مجازی. با طی این پنج نسل، تلاش‌های محققان آموزشی، به ارائه نظریه در حوزه آموزش از دور منجر شده است. تاکنون نظریه‌های زیادی در حوزه آموزش از دور ارائه شده که در این تحقیق به پنج نظریه مطالعه مستقل ویدمیر، صنعتی شدن پیترز، تعامل آموزشی هالمبرگ، فاصله تراکنشی مور و نظریه کنترل رفتار یاددهنده و یادگیرنده گریسون و بیتون اشاره شده است.

با توجه به مطالب بالا، آموزش از دور به عنوان یک نظام آموزش جدید، همسو با آموزش سنتی می‌تواند در جهت رفع کاستی‌های آموزشی عصر اطلاعات و ارتباطات، نقش اساسی داشته باشد؛ چرا که با داشتن توانایی‌هایی چون عدم محدودیت زمانی و مکانی در آموزش، استفاده بهینه از چندرسانه‌ها، استفاده از مدل‌های نوین طراحی و تدوین محتوا مانند مدل اسکورم، استفاده از سیستم مدیریت محتوای یادگیری، کاهش هزینه‌های آموزشی، کمک به فرایند یادگیری افراد معلول در کنار افراد سالم، به روزرسانی محتوا و انتقال و دسترسی سریع به محتوا، می‌تواند به عنوان گامی نوین و فرصت دوم آموزشی در توسعه کمی و کیفی نظام آموزشی کشور نقش اساسی داشته باشد.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۶). انتقال از دانشگاه از راه دور سنتی به دانشگاه مجازی: نوآوری و چالش تغییر. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۳ (۱۳۳-۱۱۳).
- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات: جستارهای مفهومی. *فصلنامه پیک نور*، سال چهارم، شماره ۴ (۱۳-۳).
- ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۸۳). توسعه علمی و توسعه فرهنگی. در *دایرةالمعارف آموزش عالی*. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- آندرسون، تری و فتی، الومی (۱۳۸۵). *یادگیری الکترونیکی از تئوری تا عمل*. ترجمه عشرت زمانی و امین عظیمی، تهران: مؤسسه توسعه آموزش مدارس هوشمند.
- فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۰). بررسی هزینه‌ها و مقایسه کیفیت آموزشی تربیت بدنی در نظام آموزش از دور و حضوری. *حرکت*، سال ۸، (۳۵-۱۵).
- فرج‌اللهی، مهران و دهباشی شریف، فروزان (۱۳۸۸). *رشد آموزش از راه دور در ایران و جهان*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- گوتک، جرالده (۱۳۸۵). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*. ترجمه محمد جعفر پاک‌سرشت، تهران: سمت.
- منیعی، رضا (۱۳۸۶). توسعه آموزش از راه دور در نظام آموزش عالی (فرصت‌ها و چالش‌ها). *رهیافت*، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- نجفی، حسین (۱۳۹۱). مطالعه تأثیر نظام دانشگاهی آموزش از دور بر توسعه منابع انسانی و طراحی الگویی مناسب برای آن، رساله دوره دکتری رشته برنامه‌ریزی آموزش از دور، تهران: دانشگاه پیام نور.
- نجفی، حسین (۱۳۹۰). تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاد دهی و یادگیری. *فصلنامه پیک نور*، سال نهم، شماره ۱ (۵۹-۵۱).
- Beth, C (2003). *History, Theory, and Quality indicators of Distance Education*. Texas: Longman.
- Daniel, S. J (1998). *Mega-Universities and Knowledge Media: Technology strategies for Higher education*. London: Keegan page.
- Dew, R. (2002). *E-Learning the Word*, London: fulmar.
- Holmberg (2003). *A Theory of Distance Education based on Empathy. Hand Book of Distance Education*. Hamburg: Lawrence Erlbaum Associates.

- Keegan, D. (1996). *Foundations of Distance Education*. London: Rutledge.
- Moore, M (1990). *Background and overview of contemporary American distance press*. Madison: Contemporary issues American distance.
- Pawłowski, T. (2006). *Information Technology and Education*; Leeds: Kork.
- Peters (2002). *Distance Education and Industrial Production*. London: Rutledge .
- Rosenberg, M, J. (2001). *E learning strategies For Peleverimy Knowledge in the Digital Age*: New York: McGraw –Till.
- Rumble, (2008). *Distance Education of Economics*, London: Rutledge
- UNSECO. (2002). *Distance and open Learning: Strategically and Economical approach*, France.
- UNESCO. (1997). *Adult Learning and the Challenge of the 21Century Confinetea*: Hamburg.
- Wedmeyer, C. A (1981). *Learning at the Backdoor: Reflection Ticknor Traditional learning in the lifespan*. Madison. University of Wisconsin press.

